

پیش‌خوان

«انقلاب اسلامی در دزفول» در آیینe اسناد و روایت‌ها

شهر عالمان نامدار در خروش علیه طاغوت

- محمدرضا کائینی



اثری که هم‌اینک در معرفی آن سخن می‌رود، رخداد عظیم انقلاب اسلامی در شهر دزفول را مورد بازخوانی قرار داده است. این پژوهش از سوی غلامرضا درکنیان انجام

شده و مرکز اسناد انقلاب اسلامی، به انتشار آن همت گماشته‌است. تارنمای ناشر در اشارتی کوتاه، اینگونه به بازنمایی موضوع تحقیق پرداخته‌است: «انقلاب اسلامی ایران، انقلاب منحصربه‌فردی است که برعکس سایر انقلاب‌ها، از بدو شروع تا پیروزی خود،در گستره وسیع ایران به وقوع پیوست. انقلاب، خاص یک گروه یا قشر یا شهر یا استان نبود. این ویژگی را می‌توان ناشی از ماهیت اسلامی آن دانست. هویت اسلامی در سراسر ایران، مشخصه بارز هر ایرانی بوده و با این ویژگی مشترک، شاهد حضور و حماسه‌آفرینی احاد مردم ایران در این نهضت اسلامی هستیم. با این ویژگی دیگر نباید رویدادهای انقلاب اسلامی را فقط در تهران یا شهرهای بزرگ دنبال کرد. دزفول از جمله شهرهایی است که اینک تاریخ انقلاب اسلامی آن در قالب پژوهشی مستند و مستقل ارائه می‌شود. دزفول در تاریخ علمی و مذهبی ایران، جایگاه برجسته‌ای دارد. این شهر که زادگاه دهها عالم دین و مجتهد بزرگ است، در تاریخ انقلاب اسلامی نیز پایه‌های نهضت اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی، در کنار مردم سایر شهرها مبارزات درخشانی داشته و در این راه شهدای گرانقدری چون حجت‌الاسلام سبحانی تقدیم انقلاب اسلامی کرده‌است. با توجه به فعالیت جوانان مبارز و مسلمان در دزفول، جوانان این سامان را در تاریخ انقلاب اسلامی، می‌توان از پیشگامان



نوجوانان کفن پوش دزفولی، در صف نخست یکی از راهپیمایی‌های این شهر قرار دارند

دفاع مسلحانه از انقلاب اسلامی به حساب آورد. همچنین تعداد شهدایی که دزفول تقدیم انقلاب اسلامی کرده، قابل توجه‌است…»

«انقلاب اسلامی در دزفول» در فصلی از خویش، نقش عشایر این منطقه در انقلاب اسلامی را به ترتیب بی‌آمه بازی می‌خواند: «از اقدامات بسیار جالب عشایر و روستاییان دزفول که حکایت از آگاهی سیاسی بالا و حضور آنها در صحنه‌های انقلاب داشت، ورود آنها در روز ۲۲دی ۵۷ به شهر دزفول بود. در این روز عشایر و روستاییان اطراف دزفول، در حالت یک راهپیمایی باشکوه وارد شهر شدند و مورد استقبال شورانگیز مردم قرار گرفتند. بها ن ترتیب یکی از جلوه‌های خدایی و معنوی انقلاب اسلامی و ملی در دزفول، با تمام و کمال به منصف‌ظهور رسید و وحدت و اخوت بی‌الایش شهری و روستایی عشایر را بر همگان آشکار کرد. مردم یکدیگر را در آغوش گرفته و با چشمانی پر از اشک، برای پیروزی انقلاب دعا کردند. این اتحاد و همدلی بین اقشار مختلف مردم از عوامل مهم پیروزی انقلاب اسلامی بود و این واقعه به خصوص از آن جهت اهمیت داشت که ساواک دزفول خیلی تلاش کرد تا عشایر اطراف شهر را جهت حمله به شهر و ایجاد آشوب و بی‌نظمی تحریک کند، ولی موفق نشد. سیداحمد زرهانی در این خصوص می‌گوید: عشایر دزفول به دلیل تأثیری که مردم این شهر روی آنها داشتند، حاضر به همکاری با رژیم جهت سرکوب انقلابیون و مردم نشدند. هر چند که ساواک خیلی تلاش کرد تا آنها را علیه انقلابیون متحد کند، ولی عشایر فهیم دزفول با رژیم همکاری نکردند… روستاییان نیز در زمان روزهای آتش و خون، نان می‌پختند و به مردم شهر هدیه می‌کردند. کشاورزان و روستاییان خود نیز از وضعیت بد کشاورزی و سیاست‌های وطن‌فروشانه محمدرضا پهلوی در واگذاری زمین‌های کشاورزی به شرکت‌های خارجی، شاکی بوده و خواهان قطع دست بیگانگان و رژیم حامی آنها بودند…»

- سیده‌زرا حسینی‌کیا**

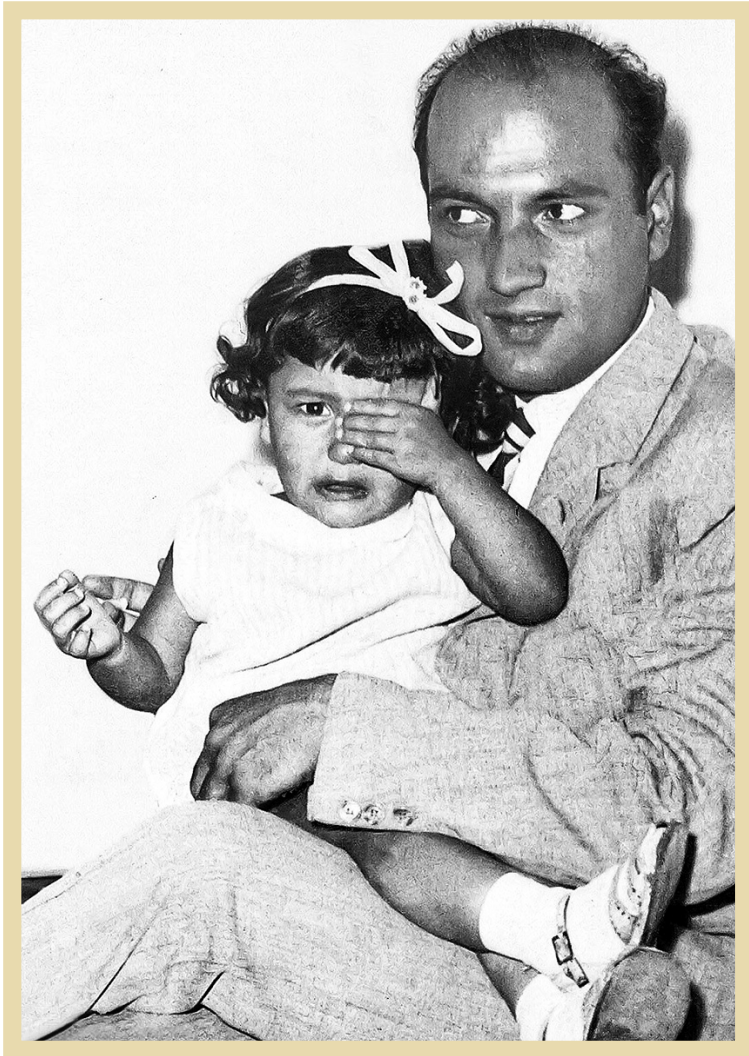
مسئله حقوق زن در اسلام، مقاله‌ای در خور اهمیت قلمداد می‌نماید که سالیان طولانی مورد توجه دین پژوهان و روشنفکران قرار گرفته و نظرات متفاوت و حتی متناقضی در این حوزه ابراز گشته است. بی‌شک دکتر علی شریعتی یکی از شاخص‌ترین چهره‌هایی است که در این حوزه به تأمل و نظر به پرداختی کرده و کتب و مقالات گوناگونی در این موضوع از وی منتشر یافته‌است. در این مقال قصد بر آن است که به بازخوانی تاریخمند نظرات دکتر شریعتی، درباره تفاوت دیدگاه اسلام و دیگر مکاتب نسبت به حقوق و جایگاه زن بپردازیم. در آنچه پیش‌روی دار ید، تلاش شده تا جوهره دیدگاه شریعتی در این‌باره بیاید و تفصیل و تطویل پرهیز شود. امید است که علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.

- مکانات زن در جامعه اسلامی**

تغییر جزء لاینفک زندگی بشر است و گریبان انسان، اعم از مرد و زن را می‌گیرد. زن نیز به جبر زمانه این تغییرات را می‌پذیرد و در این مسیر برخی چیزها را از دست می‌دهد و برخی دیگر را به دست می‌آورد. در جامعه ایران سه تصویر کلی از زن شکل گرفته است که شامل: زن سنتی (با همه امکان ابطال پذیری سنت)، زن غربگرا و چهره‌ای نوین و بااصالت که هیچ شباهتی با دو نمونه قبلی ندارد، یعنی زنان «فاطمه‌وار» می‌باشد. با رشد و ترقی علمی و فرهنگی زنان در جامعه، عده‌ای هر دو قالب اولیه را پس زدند و در جهت نیل به اسوده‌ای نمونه و برای ساختن خویشتن خویش و به صورت آگاهانه و مستقل، الگوی دخت پیامبر را انتخاب کردند و دست جبر زمانه را از تغییر روز به روز خود کوتاه کردند. پدیده تغییر امری طبیعی است و هیچ‌کس نمی‌تواند به صورت کامل سد راه آن شود، چه اینکه هیچ متغیری را نمی‌توان ثابت

دزفول در روزگاری که عرب جاهلی دختران خود را زنده به گور می‌کرد

وفاقد فضیلت بشری می‌دانست، پیامبر خاتم(ص) این ساختار شکن بزرگ تاریخ بشریت با بانویی والاقدرد و بزرگ‌تر از خود:ازدواج کردند. زنی شاعر و متمکن در روزگاری که زنان عرب دیناری از آن خود و مهم‌تر از آن هیچ نقش اجتماعی نداشتند! در این بزنگاه تاریخی، خداوند حضرت زهرا(س) را به ایشان عطا کرد و با نزول سوره کوثر، بزرگ‌ترین انقلاب را در وجدان زمان رقم زد



دکتر علی شریعتی در کنار فرزندش سوسن شریعتی

جستارهایی در نگاه تاریخمند دکتر علی شریعتی

به مکانت و حقوق زن مسلمان

«زن» عنصر اسیر به ظاهر آزاد در نظام سرمایه‌داری جهانی

کرد، اما چند و چون همراهی جامعه و بالاخص زنان با این تغییرات است. آ یا دچار خودباختگی فرهنگی و اعتقادی می‌شوند و هر امری را بدون پرسش بپذیرا هستند یا با نگاهی منطقی و نقادانه، نکات مثبت تغییرات را در جهت تعالی خود برمی‌گزینند. دعوت به ثبات و ماندن در قالب‌های قدیمی امری عبث است، اما دین و اسوسه‌های دینی پدیده‌ای زنده و جاری هستند که نه تنها با گذر زمان از بین نمی‌روند، بلکه تنها راه حفظ هویت و عدم همراهی با تغییرات هر روزه جهان سرمایه‌داری، بر گزیدن یک الگوی اعتقادی و عملی از دین است.

تفاوت‌های نگاه اسلام به تغییرات جوامع بشری با دیگر مکاتب فکری

بزرگ‌ترین نماد نبوغ و هوشیاری ایرانیان در طول تاریخ، انتخاب آگاهانه اسلام است که نتسانی از عظمت، استقلال، روح حقیقت‌پرستی و مقاومت آنان در برابر ظلم و زور بود. ایرانیان با انتخاب ولایت علوی، دست استعمار و استثمار ظلم و جور را قطع کردند و خود را از زعامت چهل نجات دادند تا با واقعیت‌های جامعه آشنا شوند. یکی از خصایص اصلی اسلام، جهت‌دهی به واقعیت‌های عینی و تغییرات جبری جامعه است. اسلام خود را در بند رئالیسم یا ایده‌الیسم قرار نمی‌دهد و با دید منطقی و هدایت‌کننده، پیامبر اسلام بزرگ‌ترین حقیقت‌گرای کلیسای قرون وسطی یا ایده‌آل‌گرایی غیر عقلانی و متعصبانه، بسیاری از حقایق بشری را انکار کرد (ایده‌الیسم و رئالیسم) را فراهم کرد. ایده‌الیسم موجودی رشد نیافته است که نمی‌خواهد واقعیت‌ها را ببیند و چشم‌هایش را بر آنچه دوست ندارد، ببیند، می‌بندد و چون نمی‌بیند، فکر می‌کند که این حقایق وجود ندارند. ایده‌الیست‌ها با رویاپردازی، واقعیت و حقیقت را نفی و ویران می‌کنند و با زندگی در یک دنیای خیالی و مطلق، توان بازسازی جهان حقیقی را

از دست می‌دهند. اینگونه می‌شود که ایده‌الیسم در حرف پیشی می‌گیرد و در عمل عقب است و در ظاهر مدینه افلاطون را از مدینه محمد زیباتر می‌سازد، اما تنها در وهم و خیال و به دور از واقعیت، سوی دیگر رئالیست‌ها هستند که هر چیزی را خواه زشت و پلید، صرفاً به دلیل وجود خارجی آن می‌بینند و هم از این روی آن را می‌پذیرند، بدان دل نمی‌بندند و بسیاری نیستند، انکار می‌کنند و پروازاندیشه و روح، تلاش از اصول اخلاقی و اعتقادی را که با واقعیت منطبق نیستند، انکار می‌کنند و پروازاندیشه و روح، تلاش آرمان‌خواهی و کمال‌جویی را در ادمی می‌کنند و به مرور زمان، قدرت‌عصیان، دگرگونی‌های گسترده در زندگی، پیروزی بر جبر تاریخ و شرایط جامعه را امری عبث می‌شمارند، اما نگاه اسلام به حقایق و واقعیت جهان، امری دیگر است که حقیقت‌گرایی روشن و بی‌تعصب را اصل خود قرار داده‌است. اسلام همچون ایده‌الیسم، خوبی‌ها را می‌بیند و همچون رئالیسم به وجود حقایق و واقعیت معتقد است، اما برخلاف هر دو در وهم و خیال نیست و اجازه نمی‌دهد واقعیت تبدیل به حقیقت شود، بلکه بسیاری از واقعیت‌ها را به شکلی انقلابی دگرگون می‌کند و در مسیر نیل به آرمان‌های حقیقی آنها را تغییر می‌دهد. همه موفقیت‌های اسلام از آن روا است که به واقعیت‌ها و تغییرات اجتماعی انسان واقف است و می‌تواند نتایج و عواقبش را کنترل و هدایت کند. پیامبر اسلام بزرگ‌ترین حقیقت‌گرای تاریخ حقایق و واقعیت‌هاست، اما برخلاف هر دو جامعه توجه داد و او را از بند تبحر و تعصب عرب باده‌نشین نجات بخشید. او سنت‌های جاهلی را نابود و اثبات کرد که مردان، هیچ برتری بر زنان ندارند و نظام فکری اسلام، نظامی جنسیت‌زده نیست. سوگندنامه در حال حاضر نیز می‌توان گریز از اسلام و اعتماد به ایده‌الیسم و رئالیسم را در جامعه حس کرد. به برخی عالمان، روشنفکران و مسئولان اخلاقی، حقایق اجتناب‌ناپذیر را نمی‌بینند و در ذهن خود همچنان به ایده‌آل‌های خویش متعهد می‌مانند و با هر تغییری

هر چند مثبت مقابله می‌کنند. انکار حقیقت باعث می‌شود تا امپریالیسم و نظام استثمار فرهنگی، شرایط را برای ورود و تأثیر گذاری منفی بر مردم و به خصوص زنان یک جامعه مهیا ببیند. محرومیت از حقوق اولیه و انسانی زنان به نام اسلام در برخی جوامع، بزرگ‌ترین دستاویز روانشناسان و جامعه‌شناسان غرب شد تا در راه خدمت به نظام سرمایه‌داری، زن شرقی و به ویژه زن مسلمان را ملعبه دست خود سازند. نظام سرمایه‌داری با تغییر نوع مصرف، به تغییر نوع آدم می‌پردازد و وقتی که مردان و زنان را از پیشینه تاریخی، فرهنگی و اعتقادی خود تهی ساخت، اخلاق‌ها، ارزش‌ها و عقاید خود را به آنان دیکته می‌کند. پس وظیفه روشنفکران و عالمان جامعه، شناختن تغییرات و توضیح و تصریح آن برای عوام جامعه به زبانی شیوا و رساست. آنها باید تغییرات را خوب بشناسند و نکات مثبت و منفی آن را در ک کنند، سپس از نکات مثبت هر تغییر، در جهت پیشبرد اهداف جوامع اسلامی استفاده کنند.

- حقوق زنان در تاریخ اروپا**

زن عصر جدید اروپا، زانده قرون وسطایی است که حاکمیت بی‌چون و چسرای کلیسا، اجازه برخورداری از حقوق اولیه و انسانی را به آنها نمی‌داد. در آن دوران کلیسا به نام مسیح و مذهب، زن را موجودی ذلیل و محبوس جلوه داد و تمامی حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی را از وی سلب کرد. کلیسا معتقد بود که زنان در نظر خدا منفردند و عامل رانده شدن مرد از بهشت به زمین هستند و ازدواج مردان با زنان از جانب خداگناهی نابخشودنی قلمداد می‌شود. آنان اینگونه تمام هویت انسانی زن را از او گرفتند. پس از رنسانس و درگذر از عصر سنتنی و مذهبی، بینش دکارت و منطق حسابگری، جان‌شین عاطفه انسانی و احساسات مذهبی شد و فردگرایی در جوامع اروپایی شروع به رشد کرد. با رشد فردگرایی، روابط در زندگی خانوادگی و ارزش‌های فرهنگی و اعتقادی نیز متفاوت از پیش شدند و گرایش به روح واحد جمعی، به سمت انفراد فردی سوق یافت. تمام این اتفاقات ماحصل رشد نظام سرمایه‌داری و افتادن سایه‌شوم ابر بزندگی بشر است. نظام سرمایه‌داری تمام احساسات و امور ماوراءالطبیعه را نابود و ارزش‌های مادی و جنسی را جایگزین آن ساخت و در این بین نابودی زن و عواطف انسانی، اولین هدف این نظام قرار گرفت. کلود برنارد و فروید عهده‌دار این‌ پروژه بزرگ بودند که روح والای انسانی را بی‌ارزش و خوک بیمار خطاب می‌کردند. سرمایه‌داری اصالت را در ثروت، مصرف و تولید اقتصادی می‌دید و از این طریق، به هیچ عنصر الهی و انسانی رحم نمی‌کرد و در دیدگاهش انسان و بالاخص زن، جز یک کالای اقتصادی چیزی نبود و هدفش تبدیل جوامع اخلاقی و معنوی، به جوامع پول و مصرفی شد. هنر در خدمت امپریالیسم اقتصادی دست به کار شد تا براساس سفارش سرمایه‌داری، روح زیبایی، احساس و عشق را تبدیل به امور و امیال جنسی کند. این است که یکباره می‌بینیم در تمام عرصه‌های هنر، سکسوالیته محور ایده پردازی و اجرا قرار می‌گیرد و سینما و تلویزیون، با دو عنصر خنونت و جنسیت پیش می‌روند. سرمایه‌داری که در اد راجد وجود و نشنگی ناشی از مصرف‌گرایی فرو برده، زن، این مظهر پاکي، احساس و بزرگی را مورد زلف و تندی، دگرگونی‌های گسترده در زندگی، پیروزی بر جبر تاریخ و شرایط جامعه را امری عبث می‌شمارند، اما نگاه اسلام به حقایق و واقعیت جهان، امری دیگر است که حقیقت‌گرایی روشن و بی‌تعصب را اصل خود قرار داده‌است. اسلام همچون ایده‌الیسم، خوبی‌ها را می‌بیند و همچون رئالیسم به وجود حقایق و واقعیت معتقد است، اما برخلاف هر دو در وهم و خیال نیست و اجازه نمی‌دهد واقعیت تبدیل به حقیقت شود، بلکه بسیاری از واقعیت‌ها را به شکلی انقلابی دگرگون می‌کند و در مسیر نیل به آرمان‌های حقیقی آنها را تغییر می‌دهد. همه موفقیت‌های اسلام از آن روا است که به واقعیت‌ها و تغییرات اجتماعی انسان واقف است و می‌تواند نتایج و عواقبش را کنترل و هدایت کند. پیامبر اسلام بزرگ‌ترین حقیقت‌گرای تاریخ حقایق و واقعیت‌هاست، اما برخلاف هر دو جامعه توجه داد و او را از بند تبحر و تعصب عرب باده‌نشین نجات بخشید. او سنت‌های جاهلی را نابود و اثبات کرد که مردان، هیچ برتری بر زنان ندارند و نظام فکری اسلام، نظامی جنسیت‌زده نیست. سوگندنامه در حال حاضر نیز می‌توان گریز از اسلام و اعتماد به ایده‌الیسم و رئالیسم را در جامعه حس کرد. به برخی عالمان، روشنفکران و مسئولان اخلاقی، حقایق اجتناب‌ناپذیر را نمی‌بینند و در ذهن خود همچنان به ایده‌آل‌های خویش متعهد می‌مانند و با هر تغییری

از فریب‌های بیشمار استثمار تو به شمار می‌رود. سرمایه‌داری با تمام قوا، این موضوع را ابتدا در غرب و بعد در شرق تقویت کرد تا استعمار و استثمار در محیطی امن صورت گیرد. فعالیت فروید در خدمت به سرمایه‌داری آغاز شد و ارزش‌های معنوی و انسانی، بر مبنای اقتصاد و مصرف معرفی شُود. هم از همین روی او، همه ابعاد تجلی روح انسان را به عنوان عقده‌های سرکوب شده جنسی معرفی کرد. با رشد ابزار علمی در دست سرمایه‌داری، انسان به عنوان حیوان جنسی مصرف‌کننده شناخته شد و بورژوازی با استثمار جهانیان، از فروید پیغمبری کذایی از فرویدیسیم مذهبی علمی و انسانی و نشیونت قربانی در آستانه این معبد زن بود، اما شرق تنها مستعمره فرهنگی، سیاسی و اقتصادی غرب نیست، بلکه غرب خودش را نیز استثمار کرد و حاشیه‌ام خویش را برآه مسخ کردم

در حال گفت‌وگو با همسرش پوران بریمت رضوی



۹ جوان ۶۷۸۶

نسل جوان حفظ کند. نیرومندترین راه تخدیر علمی و فکری فرویدیسیم بود که بر نسل جدید کشور‌های شرقی و اسلامی تأثیر منفی گذاشت و به مرور، هر گونه باور اعتقادی و فرهنگی را کشت و ایدئولوژی خود را اجرا کرد. پس از اجرای کامل برنامه سرمایه‌داری، غرب به شناساندن گزینشی شخصیت‌های خود در رسانه پرداخت و تنها تصویری که از زن نشان داد زنان مشهور سینما، تلویزیون و تبلیغات جنسی بود که صرفاً شامل نگاهی ایزاری بود. آنان هیچ‌گاه از دانشمندان، پژوهشگران، مورخان و ادیبان زن که تمام عمر خود را صرف دانش، پژوهش و آموختن کرده‌اند، نمی‌گویند، چراکه هیچ‌گونه پیشرفتی را برای زن شرقی نمی‌خواهند و زن شرقی و مسلمان را در جهل می‌پسندند.

- وظیفه عالمان دین و روشنفکران، در تقابل با هجوم ایدئولوژی سرمایه‌داری**

هر نهضت و مکتب معنوی از دو عنصر عقل و عشق تشکیل شده است که هر دو عامل حرکت و شعور هستند و وظیفه عالمان و روشنفکران، آگاهسازی و شناساندن اصولی مکتب به مردم و وظیفه مردم حرکت کردن در مسیر صحیح است. وظیفه نمایانندن حقیقی شخصیت والای حضرت فاطمه(س) بر عهده مسئولان فرهنگی و روشنفکران جامعه اسلامی است. اگر می‌بینیم که بسیاری از مردم، در ولادت و شهادت بانوی با کرامت جهان اسلام سنت‌ها را رعایت می‌کنند، اما هیچ اطلاعاتی از شخصیت و فعالیت‌های مدنی و اجتماعی ایشان ندارند، مقرر مسئولان فرهنگی و روشنفکران جوامع اسلامی هستند که در این امر قصور و اهمال کرده‌اند. به یقین می‌توان گفت که در هیچ مکتبی، چنین الگوی بزرگی برای زنان وجود ندارد، اما آگاه‌الگوبرداری‌ها صرفاً در سطح باقی می‌مانند و به عمق شخصیت بزرگان دین نمی‌رسند. دلیل عقیم ماندن این عشق و ارادت، عدم شناخت صحیح و عمیق از(ع) است، چراکه با شناخت درست، می‌توان در برابر هجوم امپریالیسم فرهنگی و نظام سرمایه‌داری ایستاد و خودباختگی هویتی پیدا نکرد. روشنفکران باید از خال‌های اعتقادی مردم سخن بگویند و سعی در برکردن ظرف وجودی احاد بشری یک جامعه از تفکر وحیانی داشته باشند و با سخنرانی، نگارش کتاب، مقالات و تولیدات فرهنگی مؤثر، توده بدنه اجتماعی را آگاه سازند. یکی از دلایل عدم ارزش‌گذاری صحیح در موضوع حقوق زنان نیز مربوط به عدم شناخت صحیح از این مقوله در اسلام است. بسیاری کسانی که از حقوق زن در اسلام آگاهند، اما به دلیل هجوم افکار مختلف، جسارت زندگی براساس ارزش‌های اسلامی را ندارند. این امر به دلیل نقصان تبلیغ و مبلغان اسلامی در انجام وظایف خویش است. طبیعی است که اینگونه باور به ارزش‌های اسلامی، در مرحله سخن باقی خواهد ماند. پس از جنگ جهانی دوم که مسئله زن به عنوان یک بحران در سطح جهان مطرح گشت و آسیب‌های آن تمام دنیا را فرا گرفت، ملت‌ها اندکی توان مقابله درست با این سلیقه مهاجم و فراگیرنده را یافتند. مقابله در برابر مدرنیسمی که به نام آزادی زن مطرح شد، با تکیه بر سنت‌های کهنه ضداسلامی آغاز و گروه دیگری که دچار واردگی فرهنگی و اعتقادی بودند، از این پدیده استقبال کردند، در نتیجه هر دو گروه آسیب خود را بر پیکره جامعه اسلامی وارد کردند. این مقاومت‌ها و تأییدها چنان ناشیانه و غیرعلمی انجام شد که به صورت غیرمستقیم زمینه را برای جیولان ارزش‌های غربی در عرصه زندگی شیعی مهیا ساخت، اما هوشیاری نسبی مردم ممالک اسلامی تا حدی راه نفوذ این فرهنگ خرنده را سد کرد.

معرفی زنان معتقد و موفق ملت ایران، به مثابه یک راهکار

یکی از راه‌های جلوگیری از ورود فرهنگ غرب، معرفی صحیح چهره زنان معتقد و موفق ملت ایران بود که بزرگ‌ترین مقاومت آگاهانه در نسل جدید جامعه اسلامی را به وجود آورد. همگام با این جریان، زنان آگاه احساس خطر کردند و برای راهی از بند سنت‌های زن‌ستیزانه سرمایه‌داری، مسیر صحیح اسلام را با الگوسازی از حضرت فاطمه(س) برگزیدند، اما مسئله اساسی در بین این بانوان، چگونه فهمیدن و درک کردن شخصیت والای حضرت فاطمه(س) بود. در روزگاری که عرب جاهلی دختران خود را زنده به گور می‌کرد و وفاقد فضیلت بشری می‌دانست، پیامبر خاتم(ص) این ساختار شکن بزرگ تاریخ بشریت با بانویی والاقدرد و بزرگ‌تر از خود:ازدواج کردند، زنی شاعر و متمکن در روزگاری که زنان عرب دیناری از آن خود و مهم‌تر از آن هیچ نقش اجتماعی نداشتند را این بزنگاه تاریخی، خداوند حضرت زهرا(س) را به ایشان عطا کرد و با نزول سوره کوثر، بزرگ‌ترین انقلاب را در وجدان زمان رقم زد. پیامبر(ص) حضرت زهرا را با خود در بازار، کار و جامعه همراه می‌کرد و ایشان بر خلاف ادعاهای تاریخی، به فعالیت‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی و سیاسی می‌پرداخت، از حیانت‌دین اسلام می‌گفت و آموزش می‌دادند و به زنی مؤتدر در تاریخ مبدل گشت. وظیفه روشنفکر متعهد و مسلمان راه مقابله با استعمار امپریالیسم فرهنگی و اعتقادی، ارائه شخصیت حقیقی این بانوی بزر گووار و بی‌مثال است. وقتی روشنفکران و مسئولان فرهنگی کار خود را به نحو احسن انجام دهند، حقوق انسانی و اسلامی زن به او اعطا می‌شود و بهترین عنصر آگاه جوامع بشری یعنی «زن عالم و آگاه» ساخته و دیگر نیاز به طلب یا استمداد از غرب و سرمایه‌داری نیست.